



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد



۲۰۲۶/۰۱/۰۷

نویسنده: ن . جلیل زاد

منشور دوم برای نسل بی گناه فردا، بیانیه ملی

این منشور دوم، سوگند ماست، که وطن را دوست بداریم، مردم را حرمت کنیم، شرافت را پاس بداریم، خیانت را طرد کنیم و این خاک را، این خانه هزارداستان را، به فردایی روشن تر بسپاریم .
به نام وطن، به نام مردم، به نام شرافت، به نام فردا.

در این سرزمین که هزاران سال است میان کوه و باد و خون و امید ایستاده، هیچ حقیقتی بزرگ تر از انسان نیست و هیچ افتخاری والاتر از خدمت به مردم و وطن .

وطن تنها خاک نیست ، وطن حافظه است، ریشه است، آغوشی است که نخستین گریه ما را شنیده و آخرین آه ما را در خود خواهد گرفت. وطن آسمانی است که نسل ها زیر سایه اش قد کشیده اند و هنوز هم منتظر است که ما به اندازه یک برگ، یک سنگ، یک لبخند، به آن وفادار بمانیم . وطن خانه مشترک ماست، خانه ای که اگر سقفش سوراخ شود، باران بر سر همه می ریزد و اگر دیوارش ترک بردارد، ترک در قلب همه می نشیند .
وطن نه یک نقشه سیاسی، بلکه یک موجود زنده است، موجودی که با شادی ما می خندد، با غم ما می گرید، با سقوط ما می لرزد و با امید ما دوباره قد می کشد.

مردم این سرزمین، نه رعیت اند، نه ابرار، نه عدد . مردم روح وطن اند، ریشه های درختی که هزار بار بریده شد اما باز هم سبز شد . مردم این وطن نجیب اند، صبورند، دلیرند، زخم خورده اند، اما هنوز در دل شان جایی برای امید باقی مانده . مردم این سرزمین، با تمام رنج هایی که کشیده اند، هنوز هم وقتی نام وطن برده می شود، چشمان شان برق می زند . مردم، نه دشمن یکدیگرند و نه رقیب یکدیگر، مردم هم سرنوشت اند . سقوط یکی، سقوط همه است و سربلندی یکی، سربلندی همه . مردم این سرزمین، با وجود تمام زخم ها، هنوز هم در دل شان جایی برای بخشش، برای مهربانی، برای دوباره ساختن باقی مانده است. آنان که در کوه ها زندگی می کنند، آنان که در دشت ها نفس می کشند، آنان که در شهرهای پر از هموطنان شان یا روستاهای خاموش روزگار می گذرانند، همه در یک چیز مشترک اند: عشق به این خاک.

شرافت ملی نه در بیرق است، نه در شعار، نه در سخنرانی های پرطمطراق .

شرافت ملی در وجدان انسان است، در راستی، صداقت، عدالت، کرامت، وفاداری و احترام به انسان .

شرافت ملی یعنی هیچ کس را به خاطر قوم، زبان، جنسیت یا باور تحقیر نکردن .

شرافت ملی یعنی دست گرفتن از ناتوان، نه لگد زدن بر زمین افتاده .

شرافت ملی یعنی پاسداری از نام وطن، نه با فریاد، بلکه با کردار .

شرافت ملی یعنی این که انسان در تاریک ترین لحظه ها هم وجدانش را نفروشد .

شرافت ملی یعنی این که انسان در برابر ظلم سکوت نکند، حتی اگر صدایش لرزان باشد. شرافت ملی یعنی این که انسان در برابر بی عدالتی بایستد، حتی اگر تنها باشد .

شرافت ملی یعنی این که انسان در برابر دروغ، حقیقت را بلند کند، حتی اگر حقیقت تلخ باشد.

وطن پرستی نه در فریادهای بلند است، نه در عکس گرفتن با بیرق، نه در سخنرانی های آتشین .

وطن پرستی یعنی فداکاری، ایثار، خدمت، آگاهی و مسئولیت .

وطن پرستی یعنی در تاریک ترین شب ها چراغ شدن، در سخت ترین روزها ایستادن و در بی رحم ترین لحظه ها انسان ماندن .

وطن پرستی یعنی ساختن، نه ویران کردن، آشتی دادن، نه دشمنی کاشتن، آگاهی بخشیدن، نه جهل پراکندن .

وطن پرستی یعنی این که انسان بداند وطن تنها خانه او نیست، بلکه خانه نسل های آینده است. وطن پرستی یعنی این که انسان بداند هر تصمیم او، هر رفتار او، هر کلمه او، بر آینده وطن اثر می گذارد .

وطن پرستی یعنی این که انسان بداند وطن تنها خاک نیست، بلکه روح مشترک یک ملت است.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنې دلیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

خیانت نه یک اشتباه، بلکه سقوط است، سقوط وجدان، سقوط انسانیت، سقوط ریشه ها. خیانت یعنی فروش وطن، فروش مردم، فروش شرافت .

خیانت یعنی تبدیل شدن به سایه ای بی ریشه، بی غیرت، بی وجدان .

خیانت یعنی بریدن از ریشه ها، بریدن از مردم، بریدن از تاریخ .

خیانت یعنی این که انسان به جای ساختن، ویران کند، به جای آشتی، دشمنی بکارد، به جای نور، تاریکی بیاورد .

ملت ما با وقار و عزت، این تاریکی را از آستانه خانه خود دور می راند، زیرا خانه ما جای نور است، نه جای ننگ .

ملت ما می داند که خیانت کار، هر قدر هم که قدرت داشته باشد، در نهایت در تاریخ گم می شود، اما انسان شریف، حتی اگر تنها باشد، در حافظه مردم می ماند.

نگهداشت وطن یعنی حفاظت، پاسداری، اتحاد، قانون، امنیت، آگاهی، فرهنگ و خرد. نگهداشت وطن یعنی هر روز یک خشت بر دیوار امید گذاشتن و هر شب یک زخم از چهره وطن پاک کردن .

نگهداشت وطن یعنی ساختن آینده، نه تکرار گذشته .

نگهداشت وطن یعنی این که انسان بداند وطن تنها برای امروز نیست، بلکه برای فرداست. نگهداشت وطن یعنی این که انسان بداند هر کاری که امروز می کند، بر فردای وطن اثر می گذارد .

نگهداشت وطن یعنی این که انسان بداند وطن تنها خانه او نیست، بلکه خانه نسل های آینده است .

نگهداشت وطن یعنی این که انسان بداند وطن تنها خاک نیست، بلکه روح مشترک یک ملت است.

این وطن با خون و غیرت غازیان و دلیران ایستاده است، جانباخته گان، مبارزان، آزادگان، سپاهیان، رادمدان، نامداران و تاریخ سازانی که در تاریکی ایستادند تا ما امروز در روشنایی بنویسیم .

آنان نه برای قدرت و نه برای شهرت، بلکه برای انسانیت جنگیدند و امروز نامشان بر شانه های ماست .

آنان که در کوه ها جنگیدند، آنان که در دشت ها ایستادند، آنان که در شهرها مقاومت کردند، همه برای یک چیز جنگیدند: آزادی انسان .

آنان که جان دادند، آنان که زخم برداشتند، آنان که در سکوت رفتند، همه برای یک چیز جنگیدند: شرافت وطن .

آنان که امروز در خاک آرمیده اند، چشم به ما دوخته اند، به ما که وارثان فرداییم .

نسل فردا نه دشمن ماست و نه ادامه اشتباهات ما، نسل فردا امانت ماست .

ما باید این وطن را با آگاهی، عدالت، صلح، وحدت، اخلاق و خرد به آنان بسپاریم .

نسل فردا حق دارد در سرزمینی آزاد، آباد، روشن و سربلند چشم بگشاید .

نسل فردا حق دارد در سرزمینی زندگی کند که در آن انسان به خاطر قوم، زبان، جنسیت یا باور تحقیر نشود .

نسل فردا حق دارد در سرزمینی زندگی کند که در آن عدالت برقرار باشد، قانون محترم باشد، انسانیت ارزش داشته باشد .

نسل فردا حق دارد در سرزمینی زندگی کند که در آن امید زنده باشد، نور زنده باشد، شرافت زنده باشد.

این منشور دوم، سوگند ماست: که وطن را دوست بداریم، مردم را حرمت کنیم، شرافت را پاس بداریم، خیانت را طرد کنیم و این خاک را، این خانه هزارداستان را، به فردایی روشن تر بسپاریم .

به نام وطن، به نام مردم، به نام شرافت، به نام فردا.

آرشیف: مطالب نشر شده ن. جلیل زاد